کدام نماز مقرِّب است و انسان را به مقام قرب و دوستی خداوند می­رساند؟

برای دستیابی به پاسخ ابتدا باید تقسیم بندی و انواع نمازها را بدانیم، بعد ببینیم کدام نماز انسان را به درجات بالاتر می رساند و باعث ارتقای درجات معنوی او می شود.

**انواع نماز**

نکته: بدون شک نماز از ابعاد و زوایای گوناگون قابل تقسیم است، ولی آنچه که در این نوشتار اساس تقسیم قرار گرفته، انواع نماز بر اساس نوع دیدگاه نمازخوان­ها و چرایی مبادرت آنها به نماز است که به صورت اجمال مورد بررسی قرار می دهیم.

**اول: تقلیدی**

اگر از بسیاری از مردم بپرسید که چرا نماز می­خوانند، شاید نتوانند دلیل محکمی برای این عمل خودشان بیاورند و تنها به ذکر موارد و دلایل کلی اکتفا می­کنند. گاه حتی دلیلی هم پشتوانه آن نیست، رفقا می خوانند، او هم می خواند؛ پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده از روز اول می خواندند و مقید به نماز بودند، او هم عادت کرده بخواند؛ محیط مدرسه و جمع دوستان هم از نماز خالی نبود، او هم با آنان همراه و همنوا شده است و ...

این نوع نماز تقلیدی اگرچه باید انجام پذیرد، ولی زیباتر می شد اگر به درجه ای فراتر از تقلید می رسید و با دلیل و برهان و همراه با روح تعبد عجین می گشت تا شاهد اثرات بهتر آن در زندگی می شدیم.

نشانه این نوع نماز این است که در مواردی که نماز قضا شود، چندان برای فرد اهمیت نداشته و بحران معنوی به شمار نمی رود. همچنین در مواردی هم که نماز مزاحم خوشی آنان باشد، یا مستلزم زحمت و مشقت زیاد- مانند دل کندن از گرمای پتو در زمستان- باشد، طبیعتاً نماز در جایگاه دوم اهمیت قرار می گیرد! ضمن این که اگر محیط هم چندان مساعد نباشد، تمایل جدی برای عَلَم کردن خیمه ی نماز در خود احساس نمی کند، به ویژه که احتمال نگاه ها و حرف های نیش دار و مخالف هم وجود داشته باشد!

**یک نمونه**

دو ماه پس از شروع جنگ، ابراهیم به مرخصی آمد. با دوستان به دیدن او رفتیم. در آن دیدار ابراهیم از خاطرات و اتفاقات جنگ صحبت می‌کرد. اما از خودش چیزی نمی‌گفت. تا این که صحبت از نماز و عبادت رزمندگان شد. یک‌دفعه ابراهیم خندید و گفت: در منطقه المهدی در همان روزهای اول، پنج جوان به گروه ما ملحق شدند. آن‌ها از یک روستا با هم به جبهه آمده بودند. چند روزی گذشت دیدم این‌ها اهل نماز نیستند!

تا این‌که یک روز با آن‌ها صحبت کردم. بندگان خدا آدم‌های خیلی ساده‌ای بودند. آن‌ها نه سواد داشتند نه نماز بلد بودند. فقط به خاطر علاقه به امام آمده بودند جبهه.

از طرفی خودشان هم دوست داشتند که نماز را یاد بگیرند. من هم بعد از یاد دادن وضو، یکی از بچه‌ها را صدا زدم و گفتم: این آقا پیش‌نماز شما، هر کاری کرد شما هم انجام بدید. من هم کنار شما می‌ایستم و بلند بلند ذکرهای نماز را تکرار می‌کنم تا یاد بگیرید.

ابراهیم به اینجا که رسید دیگر نمی‌توانست جلوی خنده‌اش را بگیرد. چند دقیقه بعد ادامه داد: در رکعت اول وسط خواندن حمد امام جماعت شروع کرد سرش را خاراندن، یک‌دفعه دیدم آن پنج نفر شروع کردند به خاراندن سر!!

خیلی خنده‌ام گرفته بود، اما خودم را کنترل کردم. اما در سجده وقتی امام جماعت بلند شد مهر به پیشانیش چسبیده بود و افتاد.

پیش نماز به سمت چپ خم شد که مهرش را بردارد. یک دفعه دیدم همه آن‌ها به سمت چپ خم شدند و دستشان را دراز کردند. این‌جا بود که دیگر نتوانستم تحمل کنم و زدم زیر خنده! [[1]](#footnote-1)

**دوم: رفع تکلیفی**

نوع دیگر نمازخوانها که مشابه مورد قبلی، ولی یک درجه برتر از آن است، نمازی است که بر اساس احساس وظیفه­ی بندگی به درگاه خالق متعال انجام می پذیرد. مشکل این نوع عبادت نیز این است که غالبا افراد دارای چنین تفکری، قائل به جایگزین برای چنین تکلیفی هستند و لذا قضای نماز و یا واگذاری آن به آینده و دوران پیری و ... از نمونه های رایج این نوع نماز است و تاخیر یا قضای نماز چندان مهم به نظر نمی رسد، مهم آن است که بالاخره بجا آورده شود، خواه اول وقت یا آخر وقت یا حتی پس از وقت و به صورت قضا.

این نوع نماز، یکی از مصادیق استخفاف به نماز است، که باعث ثبت گناه در پرونده انسان می شود، چون همانگونه که نماز نخواندن یك گناه بزرگ است، نماز را خفیف شمردن، استخفاف كردن و بی اهمیت تلقی كردن نماز هم گناه به شمار می رود. قرآن کریم پیرامون بهانه های بنی اسرائیل آن موقع که دستور ذبح گاوی به آنها داده شد و هر بار نکته ی جدیدی را بهانه می کردند، تا بالاخره وقتی تمام راههای بهانه جویی بسته شد، رفتند و گاو مدنظر را ذبح کردند، در اینجا قرآن کریم تعبیر عجیب و تکان دهنده ای دارد و درباره این عمل آنان می فرماید: **فَذَبَحُوهَا وَ مَا كَادُوا يَفْعَلُونَ؛** گاو را از روی بی میلی ذبح کردند**»**[[2]](#footnote-2)گویا خداوند به ما هشدار می دهد که در پیشگاه قدس او، انجام دستورات الهی اگر از روی بی میلی، استخفاف و سبک شمردن امر خداوند باشد، مساوی و هم درجه ترک آن عمل است و ارزش چندانی برای آن قائل نیست، لذا می فرماید گاو را ذبح کردند، ولی گویا انجام ندادند.

**ام حمیده**

پس از وفات امام صادق علیه السلام، ابوبصیر آمد به ام حمیده تسلیتی عرض كند. ام حمیده شروع کرد به گریه کردن. ابوبصیر هم كه نابینا بود، شروع کرد به گریستن.

بعد ام حمیده به ابوبصیر گفت: ابوبصیر! نبودی و لحظه آخر امام را ندیدی، جریان عجیبی رخ داد. امام در یك حالی فرو رفت كه تقریباً حال غشوه­ای بود. بعد چشم هایش را باز كرد و فرمود: تمام خویشان نزدیك مرا بگوئید بیایند بالای سر من حاضر شوند. ما امر امام را اطاعت نموده و همه را دعوت كردیم. وقتی همه جمع شدند، امام در همان حالات كه لحظات آخر عمرش را طی می كرد یك مرتبه چشمش را باز كرد، رو كرد به جمعیت و همین یك جمله را گفت: «**ان شفاعتنا لا تنال مستخفاً بالصلاة**» هرگز شفاعت ما به مردمی كه نماز را سبك بشمارند، نخواهد رسید. این را گفت و جان به جان آفرین تسلیم كرد.

شهید مطهری درباره این جمله حضرت می نویسد: امام نفرمود كه شفاعت ما به مردمی كه نماز نمی خوانند نمی رسد، آن كه تكلیفش خیلی روشن است، بلكه فرمود به كسانی كه نماز را سبك می شمارند، شفاعت ما نمی رسد! یعنی چه نماز را سبك می شمارند؟ یعنی وقت و فرصت دارد، می تواند نماز خوبی با آرامش بخواند، ولی نمی خواند. نماز ظهر و عصر را تا نزدیك غروب نمی خواند، نزدیك غروب كه شد می رود یك وضوی سریعی می گیرد و بعد با عجله یك نمازی می خواند و فوراً مهرش را می گذارد آن طرف، نمازی كه نه مقدمه دارد و نه مؤخّره، نه آرامش دارد و نه حضور قلب. طوری عمل می كند كه خوب دیگر این هم یك كاری است و باید نمازمان را هم بخوانیم. این خفیف شمردن نماز است.

این جور نماز خواندن خیلی فرق دارد با آن نمازی كه انسان به استقبالش می رود، اول ظهر كه می شود با آرامش كامل می رود وضو می گیرد، وضوی با آدابی، بعد می آید در مصلای خود اذان و اقامه می گوید و با خیال راحت و فراغ خاطر نماز می خواند. السلام علیكم را كه گفت فوراً در نمی رود. مدتی بعد از نماز با آرامش قلب تعقیب می خواند و ذكر خدا می گوید.

این علامت این است كه نماز در این خانه احترام دارد. نماز خوان­­هائی هستند كه خودشان نماز را استخفاف می كنند، یعنی كوچك می شمارند، نماز صبح­شان دَم آفتاب است، نماز ظهر و عصرشان دَم غروب است، نماز مغرب و عشایشان، وقتی است که چهار ساعت از شب گذشته است و نماز را با عجله و شتاب می خوانند.

...نماز را نباید استخفاف كرد، نباید سبك شمرد، نباید انسان كوشش بكند كه در نماز فقط به واجباتش قناعت بكند و بگوید خوب، برویم ببینیم فتوای مرجع تقلید چیست؟ آیا می گوید سه تا سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر باید گفت یا یكی هم كافی است؟ خوب مجتهد باید فتوایش را بگوید. مجتهد می گوید یكی هم كافی است، احتیاط مستحبی این است كه سه تا گفته شود. دیگر ما نباید بگوئیم حالا كه گفته اند یكی كافی است ما هم یكی بیشتر نمی خوانیم. این فرار از نماز است.

ما باید طوری باشیم كه وقتی هم كه مجتهد به ما می گوید یكی واجب است و دو تای دیگر مستحب، بگوئیم ما مغتنم می شماریم و آن دو تای دیگر را هم می گوئیم.[[3]](#footnote-3)

**سوم: نماز ترسوها**

روحیات انسان ها بسیار متفاوت بوده و هر کدام به دلایل خاصی نسبت به عبادات و واجبات و محرمات الهی واکنش نشان داده و آن را می پذیرند. در بحث نماز نیز یکی از علل شایع برای اقامه آن، تصویری دهشتناکی از جهنم و سوختن در آتش آن است که انگیزه ای قوی برای نمازخواندن به شمار می رود.

مشکل این گروه كه تنها ترس از عذاب خدا آنان را به عبادت وا می‌دارد، این است كه اگر خداوند جهنم را نمی‌آفرید و عذاب عالم برزخ و قیامت در كار نبود و مردم تنها از لحاظ برخورداری از اصل ثواب، مراتب آن و درجات بهشت متفاوت می‌بودند، این دسته، خدا را نمی‌پرستیدند!

این نوع عبادت همان است که در روایات به عبادت بردگان تعبیر شده است. طبق فرمایش حضرت علی علیه السلام، عبادت چنین افرادی، عبادت بردگان است که از ترس شلاق ارباب، فرمان های وی را اجرا می کنند. این گونه عبادت ها، گرچه رافع تکلیف است و بازدارنده ی انسان از محرّمات، ولی کامل نیست و از امتیاز اخلاص حقیقی بی بهره است.

**چهارم: به عشق بهشت**

دلیل دیگری که باعث اقبال برخی به نماز می شود، رسیدن به نعمتهای وعده داده شده اخروی و ثوابهای بهشتی و حورالعین­هایی است كه خداوند در قرآن مردم را به آنها دعوت كرده است؛ لذا آنان به انگیزه رسیدن به این نعمتها خداوند را می‌پرستند. به واقع آنان خوی تجارت پیشگی دارند و انگیزه آنها رسیدن به سود سرشار است. ایشان در پی آن هستند كه در معامله خود با خداوند به سود بزرگی كه بهشت و نعمت­های آن است، برسند. این نوع از عبادت، در روایات به «عبادت تاجران» تعبیر شده است و از شرایط نماز کامل بی بهره است، چه بسا اگر حورالعین و غذاها و تفریحات و ... وعده داده شده ی بهشتی نبود، از نماز اینان هم خبری نبود!

**پنجم: عارفانه و عاشقانه**

دانستیم که همه آنان كه به سوي خدا مي روند و به پرستش و عبادت و نماز روي مي آورند داراي انگيزه يكساني نيستند، حال بايد ديد برترين انگیزه برای پرستش و عبادت خداوند كدام است؟

امام حسين عليه السلام می فرماید: «**اِنَّ قوما عَبَدُوا اللهَ رغبةً فَتِلكَ عِبَادَةُ التُّجّار وَ اِنَّ قَوماً عَبَدُوا اللهَ رَهبَةً فَتِلكَ عِبَادَةُ العَبِيد، وَ اِنَّ قَوماً عَبَدُوا اللهَ شُكرَاً فَتِلكَ عِبَادَةُ الاَحرار، وَ هِيَ اَفضَلُ العِبَادَةِ**؛ همانا مردمي خدا را براي شوق بهشت پرستش مي كنند كه اين پرستش تجار است. و همانا مردم ديگري خدا را از روي ترس مي پرستند كه اين پرستش بردگان است. و همانا مردمي خدا را از روي شكر و سپاس عبادت مي كنند كه اين عبادت آزادگان است و اين نوع پرستش والاترين نوع عبادت است.»[[4]](#footnote-4)

بنابراین برترین و کامل­ترین نوع عبادت، عبادتی است که از سر اخلاص و شوریدگی و دلدادگی و عشق به حضرت دوست باشد. در این مرتبه، عاشق از معشوق چیزی برای خود نمی خواهد و عشق او به خاطر استفاده­ای نیست كه از معشوق می‌برد، بلكه او به مرتبه‌ای رسیده كه خود را نمی بیند و با همه وجود در معشوق فانی می‌شود و در مقابل او به خاك می‌افتد.

در این گونه عبادت، خداوند در شعور آگاه و فطرت بیدار شخص پیداست. خدا را آنگونه می پرستد که برخاسته از فطرت اوست و اگر خداوند بهشت و جهنمی را نمی آفرید، باز هم او را به خاطر حب و عشق ستایش می کرد. چنین عبادتی که تنها برای خشنودی خداوند و تقرب به اوست، خالص و کامل است، چرا که از نیت­های نفسانی و غیرخدایی پاک و آراسته است. دلی که به او تعلق گرفت، از هر چیز جز او رهایی می یابد. عبادت مولا علی علیه السلام، مظهر چنین عبادتی است و خود حضرت در سخنی چنین می فرماید: «**الهی ما عَبَدْتُکَ خَوفا مِنْ نارک و لا طَمعا فی جنتَکَ بَلْ وَجَدْتُکَ اهلاً للعباده فعبدتُکَ؛** خداوندا تو را نه به خاطر ترس از جهنمت و نه به طمع بهشتت پرستش کردم، بلکه تو را شایسته پرستیدن یافتم و عبادتت کردم».[[5]](#footnote-5)

ز بارگاه قدس حق، يك نفس او كنار نيست علي است عاشق خدا، بندگي­اش شعار نيست

**نَفَس راحت!**

اینجاست که به راحتی می توان نفس راحتی کشید؛ زیرا انسان به چرایی تأثیر نداشتن نماز در رفتار و کردار برخی نمازگزاران و کسانی که چه بسا در طول چند دهه عمر، حتی یک نمازشان هم قضا نشده پی می برد؛ زیرا دغدغه ی نمازخوانهای بی ایمان یا ضعیف الایمان، همواره ذهن ها به خود معطوف داشته و پیامدهای روانی فراوانی به بار آورده و در برخی موارد بهانه و چماقی شده برای کوبیدن بر سر نمازگزاران و مؤمنان حقیقی.

اما فرد زیرک و هوشمند، به نوع، رتبه و درجه نماز دقیق می شود تا حقیقت ماجرا برایش روشن شود و به راحتی در می یابد که این گروه نمازشان حقیقی، عارفانه و عاشقانه نبوده وگرنه بدون شک و به فرموده قرآن، خاصیت نماز این است که انسان را از بدیها و گناهان دور می سازد،[[6]](#footnote-6) حال کسی که نماز می خواند و مرتکب گناه هم می شود، بی شک نمازش نماز نبوده که اثر نگذاشته و نه تنها خاصیت شفابخشی نداشت، بلکه چه بسا باعث دوری او از خداوند شده است. لذا رسول خدا(ص) در پیامی چنین هشدار دادند: «هر کس که نمازش او را از فحشاء و منکر باز ندارد، هیچ بهره ای از نماز جز دوری از خدا حاصل نکرده است».[[7]](#footnote-7) به قول امام صادق علیه السلام: «به رکوع و سجده های طولانی افراد نگاه نکنید، زیرا ممکن است به آن عادت کرده باشند و برای او یک امر عادی شده باشد و اگر آن را ترک کنند وحشت کنند، بلکه به راستگویی و امانتداری او بنگرید».[[8]](#footnote-8) لذا خداوند متعال به داوود پیامبر علیه السلام چنین فرمود: «چه بسيار ركعت هاى طولانى خاشعانه كه نمازگزارى انجام داده باشد اما نزد من به اندازه فتيلى نمى ارزد، وقتى من به قلب او نظر كرده مى بينم تا از سلام نماز فارغ شد، اگر زنى خود را به او عرضه نمايد او را اجابت خواهد کرد و اگر مؤمنى با او معامله كند، به او خيانت خواهد نمود».[[9]](#footnote-9)

**ملاک تشخیص**

اگر پرسیده شود که از کجا می توانیم بفهمیم نماز ما جزء کدام دسته است، با توجه به آنچه گفته شد، پاسخ آن روشن است؛ زیرا نماز کامل، عارفانه و عاشقانه، نمازی تحول آفرین است؛ نمازی است که نه تنها به جا آوردن آن سنگین و خسته کننده نیست، بلکه انسان با اشتها و اشتیاق معنوی وصف ناپذیری به دنبال آن است و منتظر شنیدن صدای خوش اذان و رسیدن لحظات و ثانیه های لذت بخش گفت و گو با حضرت دوست!

چنین نمازی برای انسان آرامش، طمأنینه و پیش برندگی معنوی داشته، زمینه ساز توفیقات روزافزون خواهد شد و دید او را چنان گسترده می سازد که لذت معنوی نماز را با هیچ لذتی معاوضه ننموده، مراقبت و توجه کامل برای توفیق مجدد را به حداکثر می رساند و از زشتی ها و لذتهای زودگذر به راحتی عبور خواهد نمود و تغییر را در خود احساس می نماید.

بايد اي دل اندكي بهتر شويم يا نه، اصلاً آدمي ديگر شويم

 از همين امروز، هنگام نماز با خدا قدري صميمي­تر شويم

مثل رؤياي درخت و روح گل زير احساسات باران، تر شويم[[10]](#footnote-10)

1. . نقل از وبلاگ، سلام بر ابراهیم، 8 /5/1390. [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره بقره، آیه 71. [↑](#footnote-ref-2)
3. . آزادی معنوی، مرتضی مطهری، صص133-131، با اندكی تصرف. [↑](#footnote-ref-3)
4. . تحف العقول، ص 175؛ بحارالانوار، ج 78، ص 117. مشابه این روایت از حضرت علی علیه السلام نیز در نهج البلاغه حکمت 237 نقل شده است. [↑](#footnote-ref-4)
5. . بحار الانوار، ج 67، ص 186. [↑](#footnote-ref-5)
6. . **ان الصلاه تنهی عن الفحشاء والمنکر**. [↑](#footnote-ref-6)
7. . بحار الانوار، ج۸۲، ص۱۹۸. [↑](#footnote-ref-7)
8. . تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص۴۹۶؛ کافی، ج ۲، ص ۱۰۵. [↑](#footnote-ref-8)
9. . الجواهر السنیه، ص 88. [↑](#footnote-ref-9)
10. . سيد حسن ثابت محمودي. [↑](#footnote-ref-10)